

مسئولیت بین‌المللی دولت‌های میزبان در قبال خسارات وارده به اتباع بیگانه در قلمروشان با تأکید بر فاجعه منا

عباس تدینی^۱، سیدمصطفی کازرونی^{۲*}

چکیده

فاجعه منا از دلخراش‌ترین فاجعه‌های انسانی جهان اسلام در کنار جنگ یمن و سوریه، دغدغه‌های بسیاری را در ذهن حقوق‌دانان اسلامی به منظور توجه مستقل به ابعاد مختلف آن ایجاد کرده است. در این بین، مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی واجد اهمیت است و مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اتباع بیگانه در قلمروشان می‌تواند الگوی مناسب برای تحلیل این مسئولیت تلقی شود. با توجه به مبنا قرارگرفتن اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی، رعایت مقتضیاتی چون توجه مقتضی، لزوم شفافیت اداری، احترام به انتظارات مشروع بیگانگان و منصفانه و عادلانه بودن رفتار دولت میزبان همراه منطبق بودن با موازین بنیادین حقوق بین‌الملل بشر چون حق حیات و احترام به کرامت انسانی، نتیجه گرفته می‌شود که مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی در فاجعه منا به‌واسطه ایفانکردن تعهدات قراردادی بین‌المللی، ارائه‌نکردن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه منا و بی‌حرمتی به اجساد آن‌ها، تعلل در امدادسانی به حجاج منا و انتقال اجساد قربانیان و تعقیب‌نکردن قضایی متخلفان و مجرمان فاجعه منا ایجاد می‌شود.

کلیدواژگان

بیگانگان، حج، خسارات، فاجعه منا، مسئولیت بین‌المللی.

۱. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول).

Email: mostafakazeroni@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۰/۱۳

مقدمه

فاجعه غم‌انگیز منا که در ساعت ۹ صبح - به وقت مکه - مورخه ۹۴/۰۷/۰۲ (۲۴ سپتامبر ۲۰۱۵) در یک کیلومتری مجموعه ستون‌های منا و در مسیر خروجی از یک ایستگاه قطار مونوریل در نزدیکی اردوگاه‌های خیمه‌ها رخ داد؛ بیش از ۷ هزار تن از حجاج مسلمان از ۳۶ کشور که برای انجام مناسک حج به سرزمین عربستان عزیمت کرده بودند، کشته و مجروح شدند؛ بزرگ‌ترین فاجعه در منطقه منا طی تاریخ برگزاری مناسک حج بوده است. این در حالی بود که مقامات سعودی پیش از برگزاری مناسک حج با توجه به تهدیدات گروه‌های عمده تروریستی از جمله داعش، خطر تروریسم را تنها عاملی دانسته بودند که مناسک حج را تهدید می‌کند. پیش از این، چندین فاجعه مشابه در سال‌های قبل، به وقوع تلفات حجاج منجر شده بود که از آن جمله می‌توان به سال‌های ۱۹۷۹ (۲۲۷ نفر)^۱، ۱۹۸۷ (۴۰۰ نفر)، ۱۹۸۹ (۱۷ نفر)، ۱۹۹۰ (۱۴۲۶ نفر)، ۱۹۹۴ (۲۷۰ نفر)، ۱۹۹۷ (۲۴۳ نفر)، ۱۹۹۸ (۱۱۹ نفر)، ۲۰۰۱ (۳۵ نفر)، ۲۰۰۳ (۱۴ نفر)، ۲۰۰۴ (۲۵۱ نفر)، ۲۰۰۶ (۳۴۵ نفر) و ۲۰۱۵ (۱۰۷ نفر) اشاره کرد (خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۴: ۳).

پس از این فاجعه، مردم برخی کشورها از جمله مصر نیز از دولت متبوعشان به دلیل پیگیری نکردن حقوقی قربانیان انتقاد شدیدی کردند (وبگاه اخبار روزانه مصر، ۲۰۱۵: ۲). در حاشیه برگزاری هفتادمین نشست عمومی مجمع سازمان ملل متحد، اجلاس ویژه سازمان همکاری‌های اسلامی برگزار شد. در این میان، ج.ا.ایران تنها کشوری بود که پیکرهای شهدای^۲ خود را تحویل گرفته است (خبرگزاری بین‌المللی قرآن، ۱۳۹۴: ۲). علاوه بر این، سخنگوی وزارت عربستان سعودی، منصور التركي با برگزاری نشست خبری اعلان کرد که تحقیقات ادامه دارد و علت دقیق ازدحام بیش از حد جمعیت که به این فاجعه منجر شده است می‌بایستی تحت بررسی قرار گیرد. در این میان، جمهوری اسلامی ایران براساس آخرین آمار انتشار یافته متحمل بیشترین قربانی به تعداد ۴۶۵ نفر شده است که علاوه بر آن، تعداد زیادی نیز مجروح و مفقود و پس از آن مصر (۱۳۸) و اندونزی (۹۵) متحمل ضرر شده‌اند (وبگاه پروژه ایران، ۲۰۱۵: ۶). تلفات گسترده حجاج ایرانی و خواست قانونی ج.ا.ایران برای دریافت اجساد حجاج ایرانی و تعقیب عاملان این فاجعه، واکنش شورای همکاری خلیج فارس را در پی داشت و از تلاش‌های ایران برای سیاسی کردن حج و آسیب وارد کردن به وجهه عربستان سعودی انتقاد شد^۳

۱. اعداد داخل پرانتز نمایانگر میزان تلفات انسانی حجاج مسلمان طی مناسک حج در سال‌های مختلف است.

۲. بر مبنای امضای تفاهم‌نامه بعثه مقام معظم رهبری با سازمان حج و زیارت و بنیاد شهید، کلیه جان‌باختگان ایرانی فاجعه منا تحت عنوان شهید تلقی شده‌اند. برای اطلاعات بیشتر ن.ک به: (ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ج.ا.ایران، ۱۳۹۴/۱۲/۱۱: ۳).

3. <http://www.kuna.net.kw/ArticleDetails.aspx?id=2502389&language=en>.

(خبرگزاری دولتی کویت (کونا)، ۲۰۱۶: ۲). همچنین، سعودی‌ها در صدور روایت برای مقامات رسمی کشورهای قربانی تعلل بسیار ورزیدند و از صدور آن‌ها امتناع کردند. مجموع اقدامات ذکر شده و سایرین از جمله نبود مدیریت صحیح حج، قصور در حفظ جان و اموال حجاج، بی‌احترامی به اجساد قربانیان و تعلل در کمک‌رسانی به مجروحان و مصدومان منا به انتساب مسئولیت بین‌المللی به عربستان سعودی در فاجعه منا براساس اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اموال یا اتباع بیگانه در قلمروشان منجر می‌شود.

در تحقیق حاضر، اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اموال یا اتباع بیگانه در قلمروشان به منزله یک اصل اساسی و محوری در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و از جمله در فاجعه منا بحث و بررسی می‌شود. در این خصوص، اقتضات اساسی اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی یعنی توجه مقتضی، لزوم شفافیت اداری، احترام به انتظارات مشروع بیگانگان و منصفانه و عادلانه بودن رفتار دولت میزبان همراه منطبق بودن با موازین بنیادین حقوق بین‌الملل بشر چون حق حیات و احترام به کرامت انسانی موردنظر است. در بخش دوم تحقیق حاضر مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی در فاجعه منا ارزیابی می‌شود. از این رو، ابتدا سه استدلال محوری این دولت یعنی غیرمترقبه یا فورس ماژور بودن فاجعه منا، تبعیت نکردن حجاج از دستورالعمل‌های دولت سعودی و بی‌مسئولیتی سعودی به واسطه انتقال مسئولیت‌ها به شرکت‌های خصوصی تحلیل و ارزیابی می‌شود. سپس موارد عینی نقض تعهدات بین‌المللی دولت سعودی بر مبنای اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی با تکیه بر مراعات استانداردهای حقوق بین‌الملل بشری بررسی خواهد شد و به تخلفات بین‌المللی چون ایفانکردن تعهدات قراردادی بین‌المللی، ارائه ندادن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه منا و بی‌حرمتی به اجساد آن‌ها، تعلل در امدادرسانی به حجاج منا و انتقال اجساد قربانیان و تعقیب نکردن قضایی متخلفان و مجرمان فاجعه منا توجه می‌شود. در نهایت در بخش پایانی به جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها تمرکز خواهد شد.

اصل مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اموال یا

اتباع بیگانه در قلمروشان

در بخش حاضر به سه موضوع اساسی خواهیم پرداخت: اولاً آنکه تعهد بین‌المللی به حفاظت از اتباع و اموال بیگانه اصولاً در چه مواقعی تحقق می‌یابد و پیشینه آن چیست؟ ثانیاً به این موضوع خواهیم پرداخت که در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اموال یا اتباع بیگانه در قلمروشان، چه رویکردها و اصولی حاکم‌اند؟ ثالثاً با توجه به هر یک از

اصول انتخاب شده در بخش دوم، چه مقتضیات و التزاماتی بر دولت‌های میزبان در قبال خسارات وارده به اموال یا اتباع بیگانه در قلمروشان انتساب می‌شود؟

۱. تعهد بین‌المللی به حفاظت از اتباع و اموال بیگانه

تعهد به حفاظت از اتباع و اموال بیگانه در قلمرو بیگانه و مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات وارده امروزه به یکی از اصول مسلم و تثبیت‌شده عرف بین‌المللی تبدیل شده است. این اصل از دامنه بسیار وسیعی برخوردار است و در این بخش صرفاً مرتبط‌ترین آن‌ها و پیشینه‌ای از اصل مزبور و سابقه تقنین بین‌المللی در این حوزه بررسی می‌شود.

فرانسیس دی ویتوریا استدلال کرد که اتباع بیگانه بر مبنای حقوق بین‌الملل، از حق به مسافرت، زندگی و تجارت در سرزمین‌های خارجی برخوردارند. با این حال، دی واتل، نخستین صاحب‌نظر بین‌المللی بود که وضعیت بیگانگان در حقوق بین‌الملل را به صورت مفصل بررسی کرد. واتل در کتاب *حقوق ملل*^۱ (۱۷۵۸ م) تصریح کرد که یک دولت از حق کنترل و تعیین شرایط به‌منظور ورود اتباع بیگانه برخوردار است. با این حال، به محض آنکه دولت مزبور به پذیرش بیگانگان اقدام می‌کند، بیگانگان تابع قوانین محلی‌اند و دولت پذیرنده موظف خواهد بود از آن‌ها مانند اتباع خود محافظت کند. اتباع بیگانه عضویت خویش در کشور متبوع را حفظ می‌کنند، اما مانند اتباع دولت میزبان به تمامی دستورات حاکمیت ملتزم نیستند. از نظر واتل، عضویت بیگانگان در دولت متبوعشان به اموالشان نیز که بخشی از دارایی ملت متبوعشان است؛ بسط خواهد یافت. در نتیجه، سوءرفتار یک دولت با اتباع بیگانه یا اموالشان، خسارت به دولت متبوع بیگانگان تلقی می‌شود. نظریه واتل در نهایت به شکل حمایت دیپلماتیک درآمده است (نیوکامبه، ۲۰۰۹: ۴). با این حال، مانند سایر موضوعات حقوقی بین‌المللی، اصل رفتار برابر با بیگانگان پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ میلادی دچار خدشه شد و به شدت تخصیص خورد، به گونه‌ای که دیک چینی، معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا در خصوص بازداشت هزاران اتباع بیگانه قانونی و غیرقانونی به اتهام عضویت در گروه‌های تروریستی اظهار کرد: «کسی که به ایالات متحده آمریکا به صورت غیرقانونی وارد می‌شود و عملیات تروریستی که منجر به کشته شدن هزاران آمریکایی بی‌گناه - مردان، زنان و کودکان - می‌گردد را انجام می‌دهد. یک رزمنده قانونی نبوده آن‌ها شایسته تضمینات و تأمین‌های مشابهی که برای شهروندان آمریکایی که مورد رسیدگی عادی قضایی می‌شوند؛ نمی‌باشند» (کول، ۲۰۱۰: ۳۶۹). این مورد در رویه قضایی بین‌المللی نیز مسبوق است که یک دولت به دلیل حفظ حقوق اتباعش در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوی کرده است و از جمله می‌توان به طرح دعوی آلمان

1. Law of Nations.

علیه ایالات متحده آمریکا در دیوان مزبور در قضیه موسوم به لاگران (۲۰۰۱) و مکزیک علیه ایالات متحده آمریکا در قضیه آونا (۲۰۰۴) اشاره کرد. قضایای اخیر از یک منظر دیگر نیز واجد اهمیت‌اند، زیرا بر مبنای هنجارهای سنتی بین‌المللی راجع به رفتار با بیگانگان، تنها ارتباط بین‌الدولی مهم تلقی می‌شود و فرد تنها ذی‌نفع منفعل یا دی‌فاکتوی این هنجارهاست و صرفاً این حق حمایت از اتباع بر عهده دولت متبوع فرد بیگانه است، اما به دنبال آرای دیوان در قضایای لاگران و آونا، تحولی در حوزه حقوق رفتار با بیگانگان شکل گرفت، بدین معنا که دیوان پذیرفت که در برخی موارد، هنجارهای اساسی بین‌المللی راجع به رفتار با بیگانگان می‌توانند «مستقیماً» نه تنها به دولت‌ها، بلکه به افراد نیز منتسب شوند. به عبارت دیگر، حقوق رفتار با بیگانگان هم اینک برخلاف گذشته سه طرف دارد: دولت متخلف، دولت متبوع تبعه بیگانه و خود تبعه بیگانه (فاستن رات و سیما، ۲۰۱۱: ۵۷۰).

جامعه ملل در ۱۹۲۴، کمیته کارشناسان برای تقنین پیشرو در حقوق بین‌الملل را تأسیس کرد. این کمیته در سال ۱۹۲۷ در گزارش خود اعلان کرد که هفت موضوع در اولویت تقنین بین‌المللی باشد. در ۲۷ سپتامبر همین سال، مجمع هشتم جامعه ملل تصمیم گرفت از بین این هفت موضوع، سه موضوع را به‌منزله موضوعات اولویت‌دار در اولین کنفرانس بین‌المللی تدوین حقوق بین‌الملل (۱۹۳۰) ارائه کند که یکی از آن‌ها مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اموال یا اتباع بیگانه در قلمروشان بود. در سال ۱۹۲۵ میلادی، مؤسسه آمریکایی حقوق بین‌الملل پیش‌نویس طرحی با عنوان «حمایت دیپلماتیک»^۱ را تهیه کرد که با موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات به بیگانگان در قلمروشان مرتبط بود. در سال ۱۹۲۷ همین مؤسسه به تدوین قوانینی تحت عنوان «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به اموال یا اتباع بیگانه در قلمروشان»^۲ اقدام کرد (تیبورسیو، ۲۰۰۱: ۵۳). همپا با عرصه تقنین، در رویه قضایی بین‌المللی نیز تحولاتی در حوزه حقوق مکتسبه بیگانگان در قلمرو کشورهای بیگانه شکل گرفت به گونه‌ای که در قضیه «سلیسیای علیا»، دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی تأیید کرد که می‌بایستی به حقوق مکتسبه اتباع خارجی در قلمرو کشور دیگر احترام گذاشت. همچنین، در قضیه کارخانه کورزوف، دیوان رأی داد که مصادره غیرقانونی اموال بیگانگان نیازمند جبران خسارت است. این آرا منعکس‌کننده این دیدگاه بود که دولت‌ها براساس اصل حداقل رفتار استاندارد عهده‌دار تکلیف به احترام به بیگانگان و اموال آن‌ها هستند (نیوکامبه، ۲۰۰۹: ۱۵).

کمیسیون حقوق بین‌الملل در جلسات سال ۱۹۴۹ خویش موضوع مسئولیت دولت‌ها را به‌منزله یکی از موضوع مورد ضرورت برای تقنین احصا کرد و در سال ۱۹۵۵، سرانجام تصمیم

1. Diplomatic Protection.

2. The Responsibility of States for Damage Done in Their Territories to the Person or Property of Foreigners.

گرفت تا به تعیین گزارشگر ویژه‌ای به تقنین در این حوزه به صورت خاص بپردازد و در این خصوص، گارسیا آمادور منصوب شد. یکی از موضوعاتی که آمادور از همان ابتدا پیگیر تقنین بین‌المللی بود؛ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال خسارات وارده به بیگانگان در قلمروشان بود، اما از آنجا که حوزه مسئولیت بین‌المللی وسیع و پیچیده و تدوین در کل حوزه مزبور ناممکن بود؛ لذا تصمیم گرفت رویکردی تدریجی را اتخاذ کند بدین صورت که از سال ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ به تقدیم شش گزارش در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از خسارات وارده به اتباع بیگانه مبادرت کرد. این در حالی بود که هیچ‌کدام از آن‌ها به دلیل «عدم تحقق سطحی از موافقت میان دولت‌ها» (بجورکلند، لیرد و ریپنیسکی، ۲۰۰۹: ۱۱۱) از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل تأیید نشد.

۲. اصول مورد بحث

اینکه آیا یک دولت در قبال رفتار با بیگانگان در قلمرو خویش مسئول است یا نه تا حدود زیادی به معیار رفتاری متکی است که حقوق بین‌الملل الزام می‌کند دولت‌ها اتخاذ کنند. بدین معنا که تنها در صورتی می‌توان دولتی را مسئول بین‌المللی کرد که خارج یا پایین‌تر از آن معیار رفتاری اقدام کند. با این حال، همچنان بحث‌های جدی راجع به معیار صحیح رفتاری که حقوق بین‌الملل، الزام می‌کند؛ وجود دارد. البته دو اصل حداقل رفتار بین‌المللی و ملی، تنها اصول مورد بحث در خصوص نحوه رفتار با بیگانگان در قلمرو دولت دیگر نیست و به اصول دیگری چون اصل رفتار مبتنی بر حقوق بین‌الملل بشر نیز توجه می‌شود.

۲.۱. اصل حداقل رفتار بین‌المللی^۱

از یک سو، بسیاری از کشورها که قاطبه آن‌ها توسعه یافته‌اند بر این نظرند که رفتار با اتباع بیگانه تحت حاکمیت حداقل رفتار بین‌المللی است. این امر بدان معناست که هر دولتی می‌بایست با بیگانگان در قلمرو خویش با استناد به حداقل رفتار بین‌المللی رفتار کند؛ صرف‌نظر از اینکه حقوق داخلی به چه شکلی به آن دولت اجازه رفتار با اتباع خود را می‌دهد. البته، معیار رفتاری بر مبنای واقعیات هر قضیه متفاوت است، اما نکته مهم آن است که این رفتار می‌بایست با هنجارهای بین‌المللی منطبق باشد. با توجه به تعیین نکردن دقیق محدوده اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی برخی سعی کرده‌اند دامنه آن را مشخص کنند، از جمله مایکل آکهرست، شش مفهوم کلی را بیان می‌کند که طی آن‌ها، اصل حداقل رفتار بین‌المللی نقض می‌شود که عبارت‌اند از: ۱. اعمال نکردن مراقبت معقول از سوی دولت برای حمایت و مراقبت از افراد

1. International Minimum Treatment.

بیگانه؛ ۲. تشویق و ترغیب افراد خصوصی به حمله و تعرض به بیگانگان؛ ۳. قصور آشکار در مجازات متجاوزان به حقوق بیگانگان؛ ۴. تأمین نکردن یا قصور در تأمین امکانات دریافت غرامت بابت اعمال خلاف کاران علیه فرد بیگانه در دادگاه‌های محلی؛ ۵. کسب منافع از اعمال ارتكابی از سوی افراد خصوصی و ۶. تأیید آشکار اعمال افراد خصوصی (حسیبی، ۱۳۹۰: ۴۹). بسیار دشوار است تا اصل حداقل رفتار بین‌المللی را تعریف کرد، اما می‌توان تعریف سازمان همکاری توسعه و اقتصادی را بهترین دانست: «اصل حداقل رفتار بین‌المللی یک هنجار حقوق عرفی بین‌المللی است که از طریق مقرر کردن مجموعه‌ای حداقلی از اصولی که دولت‌ها صرف‌نظر از قانون‌گذاری و رویه‌هایشان می‌بایستی احترام بگذارند در زمانی که با اتباع بیگانه و اموالشان مواجه است بر رفتار بیگانگان حاکم است. نقض این هنجار، مسئولیت بین‌المللی دولت میزبان را تحت‌الشعاع قرار داده و مسیر را برای اقدام بین‌المللی به نفع متضرر بیگانه مشروط بر اینکه بیگانه جبران خسارت محلی را طی نموده باشد؛ باز می‌نماید» (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ۲۰۰۴: ۸).

۲.۲. اصل رفتار ملی^۱

دیدگاه مخالف بر این است که حفاظت از اتباع و اموال بیگانه به گونه‌ای خواهد بود که اعمال قوانین داخلی یک کشور صرف‌نظر از تابعیت نسبت به تمامی سکنه اعم از بیگانگان و اتباع داخلی ممکن خواهد بود بدون آنکه هرگونه جبران خسارتی را برای اتباع بیگانه در حقوق بین‌الملل پذیرش کند (سورناراجاه، ۲۰۱۰: ۲۰۲). این اصل در ماده ۹ کنوانسیون مونته‌ویدئو راجع به حقوق و تکالیف دولت‌ها^۲ (۱۹۳۳) پذیرش شد که مقرر می‌داشت: «اتباع بیگانه نمی‌توانند مدعی حقوقی غیر یا فراتر از حقوق اتباع (یک کشور) شوند». منشور حقوق اقتصادی و تکالیف دولت‌ها اصل رفتار ملی را بیان می‌کند. اصل رفتار ملی -به‌ویژه در ابتدای پیدایش آن- به‌منزله یک اصل اساسی از سوی دولت‌های منطقه آمریکای لاتین به صورت روشی برای بازداشتن مداخله دول قدرتمند به کار گرفته می‌شد. بر همین مبنا بود که این دولت‌ها در برهه‌ای از زمان با ایجاد شرط کالوو^۳ که در موافقت‌نامه‌ها با سرمایه‌گذاران خارجی درج می‌شد تا انکار کند که اتباع بیگانه مستحق حقوق و مزایای ممتاز و خاص‌اند و تأکید می‌کردند که اختلافات با سرمایه‌گذاران خارجی انحصاراً بایستی از طریق حقوق داخلی دولت میزبان حل و فصل شود (شیپها، ۱۹۹۳: ۷۹). از جمله موارد دیگر می‌توان به نامه ۱۹۳۸ دولت مکزیک^۴ که

1. National Standard.

2. The Montevideo Convention on Rights and Duties of States 1933.

3. Calvo Doctrine.

4. See The Mexican Minister, Eduardo Hay's Letter to U.S Secretary Hull (1 September 1938) on the American-Owned Lands Expropriated in Mexico.

حق ایالات متحده برای مطالبه غرامت برای زمین های کشاورزی شهروندان امریکایی که از ۱۹۲۷م از سوی دولت مکزیک مصادره شده بود؛ اشاره کرد که «اصل برابری بین اتباع و بیگانگان با توجه به اینکه تبعه بیگانه به صورت ارادی در جستجوی سود شخصی به کشوری می آید ... حاکم می باشد ... ناعادلانه خواهد بود که وی بایستی به یک وضعیت ممتاز که از هر نوع خطری در امان باشد؛ تمایل داشته باشد». در گزارش آمادور به کمیسیون حقوق بین الملل نیز همین اصل تأیید شده بود: «حقوق و تضمینات مشابه اتباع داخلی (بایستی به بیگانگان اعطا شود)؛ با این حال، این حقوق و تضمینات در هیچ وضعیتی نبایستی کمتر از حقوق بشر و آزادی های بنیادینی باشد که در موافقت نامه های معاصر به رسمیت شناخته و معین شده اند» (باس، ۲۰۱۳: ۷۶). البته اصل رفتار ملی در حوزه مقررات سازمان تجارت جهانی به منزله یکی از اصول بنیادین این سازمان به منظور حفاظت از تجارت بین المللی کالاها، خدمات و حقوق مالکیت فکری مورد توجه قرار گرفته است از جمله بند یک ماده ۱۷ موافقت نامه بین المللی تجارت خدمات سازمان مزبور مقرر می دارد: «... رفتاری را در مورد خدمات و عرضه کنندگان خدمات هر عضو دیگر در خصوص همه اقدامات مؤثر بر عرضه خدمات اتخاذ خواهد کرد که از رفتار متخذه در قبال خدمات و عرضه کنندگان خدمات مشابه داخلی نامطلوب تر نباشد». تعهد رفتار ملی در مقررات تجارت جهانی به دنبال اعطای رفتار مشابه آنچه به سرمایه گذاران و عرضه کنندگان داخلی اعطا می شود، به خدمات و عرضه کنندگان کالاها و خدمات است. این رفتار در مقابل رفتار دولت های کامله الوداد قرار می گیرد که فقط به دنبال تضمین رفتار برابر بین سرمایه گذاران و عرضه کنندگان خارجی فعال در کشور میزبان اند (سواری، ۱۳۹۳: ۵۴). در واقع، اصل رفتار ملی و کامله الوداد بهترین روش ممکن برای جلوگیری از دوجانبه شدن ماهیت مذاکرات گات در سازمان تجارت جهانی است، زیرا عملاً هر کشوری تمایل دارد مزیت های تجاری بیشتری را به طرف های تجاری اصلی خود نسبت به سایر کشورهای عضو اعطا کند که با وجود این اصول، این امر خود به خود منتفی می شود و هرگونه مزیت یا امتیاز در هر زمینه ای بدون قید و شرط به سایرین نیز تسری می یابد (پورزنگبار، ۱۳۹۱: ۶). بنابراین، نبایستی به خلط مبحث میان اصل رفتار ملی در حقوق مسئولیت بین المللی و تجارت جهانی پرداخت، زیرا در مورد اول، این اصل در حوزه حقوق ثانویه و منفی و در مورد اخیر در حوزه حقوق اولیه و مثبت مورد بحث قرار می گیرد.

بدین ترتیب با بررسی استاندارد رفتار ملی مشخص می شود که در مقابل «حداقل استاندارد بین المللی»، استاندارد قرار دارد که اساساً با مبانی «حداقل استانداردهای بین المللی» در تضاد است و در کشورهای امریکای لاتین و در حال توسعه آسیایی و آفریقایی طرفداران بسیاری داشته است (حسیبی، ۱۳۹۰: ۶۲).

۳.۲. اصل رفتار مبتنی بر استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر

بر مبنای اصل اخیر، افراد اکنون به دلیل جایگاهشان نسبت به اجرای حقوق بشر در سطح بین‌المللی تابع حقوق بین‌الملل اند و طرز رفتار با بیگانگان در هر کشوری بایستی بر اصول بین‌المللی شناخته‌شده بشری استوار باشد. طرفداران این طرز دیدگاه بر این نظرند که حق دولت متبوع متضرر بیگانه برای اقدام به نفع وی تنها در صورتی پدید می‌آید که هیچ روش دیگری برای حل و فصل توافقی اختلاف میان دولت میزبان و متضرر بیگانه وجود نداشته باشد. با این حال به نظر می‌رسد که نظر به اختلاف بسیاری از دولت‌ها بر مصادیق حقوق بشر از یک سو و سیاسی کاری در حوزه حقوق بشری به جای تمرکز بر مفاهیم، نمی‌توان این دیدگاه را به‌منزله یک دیدگاه عام در حوزه رفتار با بیگانگان پذیرفت. رویکرد متعالی‌تری که در این حوزه شاهد آن هستیم، امتزاج رویکردهای حقوق بشری و حداقل رفتار معیار بین‌المللی است.^۱ چنین رویکردی برای نخستین بار در گزارش دوم آمادور (۱۹۵۷) نمود یافت. وی موضوع حداقل رفتار معیار بین‌المللی را با مفهوم حقوق بنیادین بشری مرتبط کرده بود. براساس ماده ۵ طرح پیشنهادی وی، یک تبعه خارجی که برخوردار از حقوق مدنی مشابه اتباع داخلی است نمی‌بایستی به‌هیچ‌وجه از حقوق بنیادین بشری محروم شود. این پیش‌نویس در نهایت از سوی کمیسیون حقوق بین‌الملل تأیید نشد، اما موضوع امتزاج حداقل رفتار معیار بین‌المللی با موازین حقوق بین‌الملل بشری امروزه توانسته است پیشرفت شگرفی داشته باشد (کلاگر، ۲۰۱۱: ۵۳). در پایان به نظر می‌رسد که امروزه نزدیک‌ترین نظریه به واقعیات جامعه بین‌المللی، نظریه اشاره‌شده باشد که قائل به تأثیر آموزه‌های بنیادین حقوق بشری در اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی است. با توجه به همین نظریه، فاجعه منا و مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی به‌ویژه در خصوص شهدای فاجعه منا بحث و بررسی خواهد شد.

۳. مقتضیات اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی

در دکترین حقوقی بین‌المللی، مقتضیات و التزامات متعددی برای پذیرش اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی ذکر شده است، اما در این بخش صرفاً بر مهم‌ترین آن‌ها تکیه خواهد شد. این مقتضیات عبارت‌اند از اصل توجه مقتضی، منع خودسرانه بودن اقدام، لزوم شفافیت اداری، احترام به انتظارات مشروع بیگانگان و در نهایت اصل منصفانه و عادلانه بودن رفتار. از این بین، اصول توجه مقتضی و منصفانه و عادلانه بودن رفتار از اهمیت بیشتری برخوردارند که در ادامه بررسی خواهند شد.

۱. البته پیش از جنگ جهانی اول، ارجاع‌های کلی و مختصر به حقوق بیگانگان و حداقل رفتار استاندارد از سوی حقوق بشر صورت می‌گرفت. برای اطلاعات بیشتر ن. ک به: (نیکویی، ۱۳۹۱: ۱۲۶).

۳. ۱. توجه مقتضی^۱

التزام به اقدام با توجه مقتضی در محافظت از بیگانگان، عنصر اساسی اصل حداقل رفتار بین المللی است. توجه مقتضی به معنای اقدامی است که از یک دولت معقول یا متعهد به تعهدات بین المللی اش انتظار می رود. در گزارش دوم آمدور، گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین الملل ملل متحد راجع به مسئولیت دولت ها، عناصر اساسی اصل توجه مقتضی معین شده است: «حدی از مراقبت که از یک حکومت خوب انتظار می رود. به عبارت دیگر، حکومت مورد نظر می بایستی بر یک پایه دائمی از نظام حقوقی و منابع مادی برخوردار باشد که برای تضمین ایفای تعهدات بین المللی اش کافی می باشد. بدین منظور، دولت می بایستی یک نظام مناسب اداری را ایجاد و حفظ نماید. با این حال، قابل درک است که میزان مراقبتی که از یک دولت دارای اقتصاد توسعه یافته و منابع انسانی و مادی و نظام ها و ساختارهای توسعه یافته حکومتی انتظار می رود مشابه دولتی که در چنین وضعیتی نمی باشد، نیست»^۲. بنابراین، اصل توجه مقتضی یک اصل نسبی است که باید با توجه به منابع و امکانات اقتصادی، مالی، حکومتی و حتی حقوق بشری دولت ها مدنظر قرار گیرد. با این حال، این پیچیدگی مانع از ارائه تعاریف در سطح دکترین حقوقی نشده است به گونه ای که برخی توجه مقتضی را به معنای کنترل مؤثر یک دولت بر قلمرو و جمعیتش تعریف کرده اند که همراه است با درجه ای از پیش بینی پذیری خسارات احتمالی به موازات اهمیت منافی که بایستی حفاظت شود. در این معنا، توجه مقتضی شامل ارزیابی خطرها و آسیب های احتمالی، تعهدات مربوط به ابلاغ و مشورت، پیشگیری و محافظت، تکلیف به انجام تحقیقات به علاوه جبران خسارات وارده می شود (ساول و سویینی، ۲۰۱۵: ۴۵).

اصل توجه مقتضی از زمان قضیه آلاباما وارد حقوق بین الملل شد. در این قضیه، میزان توجه مقتضی یک دولت با مسئولیت بین المللی در قبال خسارات وارده ارتباط داده شد (وولفروم، سرسیک و سوسیک، ۲۰۱۵: ۱۵۹). کمیسیون حقوق بین الملل ملل متحد در بررسی پیش نویس طرح «پیامدهای مضر که از اقداماتی ناشی می گردند که بر طبق حقوق بین الملل منع نشده اند»^۳ این موضوع را مطرح کرد که ارزیابی گنجایش اقتصادی دولت ها یک عامل مهم در تعیین محدوده توجه مقتضی است به گونه ای که: «... سطح اقتصادی دولت ها یکی از عواملی می باشد که می بایستی در تعیین اینکه دولتی با تعهد توجه مقتضی خویش منطبق بوده است، مدنظر قرار گیرد» (شریور و ویس، ۲۰۰۴: ۱۲۱).

1. Due Diligence.

2. Second Report of the Special Rapporteur on International Liability for Injurious Consequences arising out of Acts not Prohibited by International Law, Y.B. ILC, A/54/10, 1999, UN Doc.A/CN.4/501.at para 31.

3. Injurious Consequences Arising out of Acts not Prohibited by International Law.

۲.۳. لزوم شفافیت اداری

لزوم شفافیت اداری از زمره سایر مقتضیات پذیرش و اعمال اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی است. شفافیت در مباحث مختلف، تعبیر گوناگونی دارد و نقطه مقابل آن، فساد اداری است. تمامی دولت‌ها در سطح جهان امروزه به این واقعیت صحنه می‌گذارند که شفافیت، پیش‌شرط مشروعیت حکومتی است، زیرا این امر فرصتی را برای انتقاد از فرایندهایشان فراهم می‌کند. شفافیت اداری با اینکه وجه غالباً عمومی دارد، اما عمدتاً از منظر بین‌المللی بحث می‌شود تا داخلی، به گونه‌ای که امروزه شاخص‌هایی چون شاخص شفافیت بین‌المللی^۱ و درک فساد^۲، به درجه بندی کشورها براساس شفافیت و فساد موجود در میان مقامات اداری می‌پردازند (معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۸۷: ۲). شفافیت اداری از سوی برخی به معنای «کفایت، دقت، در دسترس‌پذیری اطلاعات و دانش در مورد سیاست‌ها و فعالیت‌های یک دولت یا سازمان بین‌المللی که بایستی منطبق با قانون‌گرایی و اعمال دقیق هنجارها، قواعد و رویه‌ها باشد» (مایین، ۲۰۱۳: ۵) و از سوی دیگران، مساوی با اصطلاح آزادی اطلاعات دارای قرابت فراوانی دانسته شده است به گونه‌ای که میان این دو، تمایز مفهومی روشن و مورد وفاقی ندارد. طبق این تعریف، شفافیت عبارت است از حق هر کدام از شهروندان در دسترسی به داده‌ها، آگاهی از معلومات و فرایندهای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری مرتبط و شناخت سازوکارهای اتخاذ تصمیم از سوی مسئولان حکومتی (ساریخانی و اکرمی، ۱۳۹۲: ۹۳). نبود شفافیت اداری و بروز فساد در جوامع بسته همچون عربستان سعودی که رسانه‌های جمعی و نشریات در انتشار وقایع، به‌ویژه در مواردی که به طرز مستقیم و غیرمستقیم به رضایت مردم از سیستم اداری و در نهایت مشروعیت نظام حکومتی مرتبط می‌شود، از میزان بیشتری برخوردار است (دادخدايي، ۱۳۹۲: ۲۲۹-۲۳۰).

۳.۳. احترام به انتظارات مشروع بیگانگان^۳

احترام به انتظارات مشروع بیگانگان یکی دیگر از التزامات اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی است. بر این مبنای، بایستی خاطر نشان شود که تضمین احترام به انتظارات مشروع بایستی فراتر از تابعیت دنبال شود و از این رو، هر دولتی ملزم است تا بین منافع مرتبط یعنی حق حاکمیت و انتظارات مشروع هر فرد اعم از داخلی یا بیگانه تعادل ایجاد کند (فورلای و آنونی، ۲۰۱۳: ۱۸۶). البته مشروعیت در اینجا هم به معنای مشروعیت بین‌المللی و هم داخلی انتظارات بیگانگان است. احترام و حفاظت از انتظارات مشروع بیگانگان خود ریشه در داوری بین‌المللی

1. Transparency International-TI.
2. Corruption Perception Index-CPI.
3. Legitimate Expectation.

دارد و هدف از آن، توانستن اتباع بیگانه به اتخاذ تصمیماتی معقول متکی بر اظهارات دولت میزبان است. در خصوص احترام به انتظارات مشروع بیگانگان، رویه داور بین المللی حاکم، مبتنی بر این است که انتظارات مشروع بایستی مبتنی بر قوانین و واقعیات عینی غالب در یک کشور باشد. بنابراین، سرمایه گذار خارجی نباید از یک کشور دچار تجاوز خارجی سعودی همچون یمن انتظار داشته باشد که با نبود یک نظام حکومتی مؤثر و کامل، از سرمایه گذاری وی در بخش نفت یمن حمایت کند. با این حال، یک تبعه خارجی چون حجاج می تواند از یک کشور باثبات چون عربستان سعودی انتظار مشروع داشته باشد که حتی در صورت منعقدنشدن موافقت نامه های بین المللی دوجانبه دولت متبوعشان با دولت سعودی، این تکلیف سعودی است تا از جان و مال آن ها حفاظت کند. آنچه بیش از همه با ارائه مثال ها روشن شد؛ موردی بودن انتظارات مشروع است به گونه ای که نمی توان نسخه واحدی را برای تمامی وضعیت ها ارائه داد و به ویژه بایستی با توجه به قوانین داخلی و تعهدات خاص بین المللی آن دولت و واقعیات میدانی آن کشور به تحلیل انتظارات مشروع یک تبعه بیگانه پرداخت.

۳.۴. منصفانه و عادلانه بودن رفتار^۱

منصفانه و عادلانه بودن رفتار دولت میزبان در قبال بیگانگان را بایستی مهم ترین التزام در اصل حداقل رفتار معیار بین المللی دانست. در دفاعیات برخی دول غربی از جمله بلژیک، اسپانیا، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا در نزد دیوان بین المللی دادگستری از عبارت رفتار منصفانه و عادلانه به منظور استناد به قاعده عرفی بین المللی اجرای عدالت (به ویژه در اشاره به ماهیت رأی) و قواعد عرفی رفتار با بیگانگان به صورت کلی بهره برده شده است (پارپارینسکیس، ۲۰۱۳: ۲۱). بسیاری از محاکم داور بین المللی به منصفانه و عادلانه بودن رفتار توجه داشته اند، زیرا التزامی است که سطح گسترده ای از حفاظت های ماهوی و شکلی از جمله حفاظت از انتظارات مشروع بیگانگان را تأمین می کند. از جمله می توان به رأی نهایی ایکسید در قضیه «مدیریت پسماند ۲»^۲ بین شرکت مدیریت پسماند آمریکا و دولت مکزیک (۲۰۰۴) اشاره کرد که در بخشی از رأی خود در خصوص اهمیت منصفانه و عادلانه بودن رفتار با بیگانگان در حقوق بین الملل تصریح می دارد که اصل حداقل رفتار معیار بین المللی به وسیله عملی نقض می شود «که به دولت (متضرر) قابل استناد بوده و برای خواهان زیان آور باشد در صورتی که عمل مزبور، خودسرانه، به شدت ناعادلانه، غیرمنصفانه ... و تبعیض آمیز باشد و خواهان را در معرض تبعیض قومی یا نژادی و شامل عدم طی فرایند متناسب قضایی باشد...» (نیوکمبه و

1. Fair and Equitable Treatment.

2. Waste Management, INC v United Mexican States, ICSID Final Award (2004), Case N ARB (AF)/00/3.

پارادل، ۲۰۰۹: ۲۳۸). ادعای نقض رفتار عادلانه و منصفانه تنها در مواردی می‌تواند پیروز شود که ادعاها بر مبنای معیارهای خاص تر به شکست بیانجامد. بنابراین، در یک دعوا بایستی همیشه در آخرین مرحله و در صورتی که هیچ‌کدام از معیارهای ذکرشده از جمله احترام به انتظارات مشروع بیگانگان وجود نداشت؛ به آن استناد شود. این استناد با توجه به ماده ۳۸ اساس‌نامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز قابلیت دفاع دارد، زیرا در این ماده پیش‌بینی شده است که در صورت نبود معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی بین‌المللی، دیوان می‌تواند با رضایت طرفین دعوا با رعایت «عدل و انصاف» به رسیدگی بپردازد. بدیهی است که در این مورد نیز مانند موارد ذکرشده، رعایت عدل و انصاف به منزله گزینه آخر موردنظر دیوان خواهد بود و در صورت وجود معاهدات، عرف و اصول کلی حقوقی بین‌المللی نوبت به رعایت عدل و انصاف در رسیدگی‌های قضایی دیوان نخواهد رسید.

در موافقت‌نامه‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه بین‌المللی معمولاً مقرره‌ای گنجانده می‌شود بدین صورت که «سرمایه‌گذاری سرمایه‌گذاران هر یک از دول متعاقد همیشه رفتار منصفانه و عادلانه را دریافت خواهند نمود» (شیل، ۲۰۰۹: ۷۸). رفتار منصفانه و عادلانه در هر مورد خاص نسبت به اتباع بیگانه صرف‌نظر از ارائه‌دادن یا ندادن آن به اتباع داخلی یا دول ثالث انجام خواهد شد و دولت میزبان نمی‌تواند با استناد به اعمال نکردن منصفانه و عادلانه بودن رفتار درباره گروه خاصی از دولت‌ها، اتباع سایر دولت‌ها را از این امتیاز محروم کند. در این خصوص، در رأی قضیه نیر^۱ میان ایالات متحده آمریکا و مکزیک (۱۹۲۶) به غیرمنصفانه و عادلانه بودن رفتار یک دولت بهتر اشاره شده است: «رفتار یک تبعه بیگانه به منظور متضمن شدن به یک تخلف بین‌المللی می‌بایستی منجر به یک تخطی، سوءنیت، مسامحه عمدی تکلیف یا عدم کفایت اقدام دولتی برای اجرای معیارهای بین‌المللی به نحوی گردد که هر انسان معقول و بی‌طرفی به آسانی این عدم کفایت را تشخیص دهد» (مالانک زوک، ۱۹۹۷: ۲۶۱). در قضیه سالوکا در مقابل جمهوری چک (۲۰۰۶)^۲، محکمه دآوری به‌منظور تعیین اینکه آیا غیرممکن شدن اجرای انتظارات سرمایه‌گذار خارجی، ناموجه و غیرمعقول بوده است و درواقع در نقض رفتار معیار منصفانه و عادلانه انجام شده است، این موضوع را که «حق مشروع دولت میزبان متعاقباً به‌منظور تنظیم امور داخلی در منافع عمومی» تحقق یافته است (با نه) بررسی کرد و از این رو، «سنجش انتظارات مشروع و معقول مدعی از یک طرف و منافع قانونی و مشروع خواننده از طرف دیگر» را الزامی خواند و تعادل بخشی میان این دو عنصر را موجب تشخیص ملاک منصفانه و عادلانه بودن رفتار دانست (بجور کلند، ۲۰۱۴: ۴۰۰).

1. L.FAY H.Neer and Pauline Neer (USA) v. United Mexican States, 4 R.I.A.A.60 (1926).

2. Saluka Investments B.V. v. The Czech Republic, UNCITRAL, Partial Award, 17 March 2006, 301-302.

مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در فاجعه منا

در بخش دوم این مقاله مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در فاجعه منا بررسی می‌شود. در این بخش، ابتدا استدلال‌ات عربستان سعودی بحث و بررسی، سپس مهم‌ترین نقض‌های عینی این مسئولیت ارائه خواهند شد. بدیهی است با توجه به اصول استنادی در بخش اول، به اصل حداقل رفتار معیار بین‌المللی به‌علاوه موازین بنیادین حقوق بشری توجه شد و در این بخش نیز براساس همین مبنا امور را تحلیل خواهیم کرد.

۱. استدلال‌ات دولت عربستان سعودی برای رفع مسئولیت خویش

تبعیت‌نکردن جمعیت حجاج از دستورالعمل‌های ایمنی و امنیتی دولت سعودی، غیرمترقبه‌بودن فاجعه منا و بی‌مسئولیتی به‌واسطه انتقال امور حج به شرکت‌های خصوصی از کلید عباراتی به شمار می‌روند که در سخنان مقامات سعودی برای رفع مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی مطرح می‌شوند. با این حال، همان‌گونه که در ادامه نشان داده خواهد شد؛ هیچ‌یک از استدلال‌ات مزبور از منظر حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و جاهت قانونی ندارند.

۱.۱. تبعیت‌نکردن جمعیت حجاج از دستورالعمل‌های ایمنی دولت سعودی

تبعیت‌نکردن جمعیت حجاج از دستورالعمل‌های ایمنی دولت سعودی یکی از استدلال‌ات اصلی است که دولت سعودی در خصوص اعتراضات دولت ج.ا.ایران بدان استناد می‌کند. عربستان سعودی در عوض پاسخگویی به بی‌مدیریتی صحیح خود، شماری از حجاج و خبرنگاران ایرانی را پس از فاجعه دستگیر و حجاج مخصوصاً حجاج ایرانی را متهم کرد که به دلیل تبعیت‌نکردن از دستورالعمل‌ها، موجب افزایش تلفات شده‌اند. نبودن هوا و فشردگی جمعیت سبب شد تا بسیاری از حجاج مجروح دچار بی‌حالی و افت فشار شوند و عمده قربانیان، به دلیل کمبود اکسیژن جان خود را از دست دادند. از نظر مقامات سعودی، قوانین حج برای تمامی حجاج بدین شکل است که به محض رسیدن آن‌ها در منا، حجاج ملزم‌اند تا برای تجدید نیرو در خیمه‌هایشان استراحت کنند. حجاج سپس برای رهسپارشدن مراسم رمی جمرات به گروه‌هایی تقسیم می‌شوند. خالد الفلیح، وزیر بهداشت عربستان گفت که «این حادثه بدان دلیل رخ داد که بسیاری از حجاج بدون احترام به محدوده‌های زمانی که به وسیله مقامات تعیین شده بود، حرکت کردند» و رئیس کمیته مرکزی حج، شاهزاده خالد الفیصل، فاجعه منا را به دلیل «برخی حجاج آفریقایی تبار» دانست (مشکاتی، ۲۰۱۶: ۲). عبدالله شیخ، رئیس شورای مشورتی سعودی که نهادی انتصابی در عربستان سعودی است و دولت را مشورت می‌دهد نیز تأکید کرد که تبعیت‌نکردن حجاج از قوانین و دستوراتی که از سوی مقامات امنیتی اتخاذ شده بود، عامل

فاجعه‌ی منا بوده است (وبگاه ایران پروژه، ۲۰۱۵: ۲). در کنار بحث تبعیت‌نکردن حجاج، یک موضوع مهم در بحث مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در فاجعه‌ی منا، بحث آموزش حجاج است؛ بدین معنا که این سؤال پیش می‌آید که آیا اصولاً عربستان سعودی مسئولیت آموزش حجاج را بر عهده داشته است؟ در پاسخ به این سؤال بایستی به قرارداد میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی توجه شود. با این حال، تا آنجا که معمول است آموزش حجاج قبل از عزیمت در تمامی کشورهای اسلامی بر عهده‌ی دولت‌های متبوع حجاج بوده است و هر کشوری نیز با نصب علائم و نگرهبانانی مسئولیت حفاظت از جان و اموال حجاج خود را در مراسم حج بر عهده دارد.

با این حال بایستی به واقعیات عینی در رد این توجیه دولت عربستان سعودی اشاره کرد؛ اولاً، حجاج ایرانی، هندی، پاکستانی و آفریقایی غیرعربی که از منطقه‌ی ربوه منی عازم جمرات می‌شدند، از سوی مأموران سعودی صرفاً به مسیر ۲۰۴ سوق داده شدند، در حالی که در سال‌های گذشته از مسیرهای موازی چون سوق العرب و جوهره نیز استفاده می‌شد (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۴: ۲). در مسیر رفت حجاج، ناگهان مأموران انتظامی و امنیتی سعودی با بستن مسیر مانع از حرکت جمعیت به سمت جلو شدند و این امر موجب ازدحام ناگهانی جمعیت ایجاد می‌شود. فاجعه‌ی منا در تقاطع خیابان‌های ۲۰۴ و ۲۲۳ شکل گرفت به طوری که گروهی از حجاج که در حال ترک مکان بودند با گروهی دیگر که در خلاف جهت آن‌ها در حرکت بودند، برخورد کردند.

۲.۱. غیرمترقبه بودن فاجعه‌ی منا^۱

یکی از ادعاهایی که دولت سعودی برای رفع مسئولیت بین‌المللی خود از فاجعه‌ی منا ارائه کرده است، غیرمترقبه یا وقوع آن به دلیل فورس‌ماژور بودن است. در اینجا ابتدا مفهوم فورس‌ماژور یا حوادث غیرمترقبه در حقوق بین‌الملل بررسی، سپس به ادعای عربستان سعودی توجه خواهد

۱. در این خصوص برای نمونه می‌توان به اظهارات احمدالمولد، کاردار عربستان سعودی در تهران اشاره کرد که گفته است: «دولت عربستان، حادثه‌ی پیش‌آمده را یک حادثه‌ی عمومی می‌داند و درست است که برای انتقال اطلاعات و جزئیات این حوادث اندکی کم‌کاری پیش آمده است، اما دلیل آن هم این است که به صورت غیرمترقبه با این حوادث مواجه شده است که در حال مدیریت و ساماندهی عوارض پس از حادثه هستیم». همچنین می‌توان به اظهارات عجیب شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل شیخ، مفتی عربستان و رئیس هیئت علمای این کشور خطاب به ولیعهد عربستان سعودی اشاره کرد: «شما در حادثه‌ای که رخ داده مسئول نیستید، چرا که تمام آنچه که اختیار و توان داشتید ارائه کردید، اما در مورد این حادثه کاری از عهده‌ی انسان بر نمی‌آید، چرا که قضا و قدر بوده که انسان در آن نقش نداشته و به هر حال رخ می‌داد». برای اطلاعات بیشتر ن.ک به: (روزنامه‌ی شهروند ۱۳۹۴/۰۷/۰۵: ۸).

شد. از زمان پیدایش حقوق رومی، اصل «هیچ کس در قبال غیرممکن مسئول تلقی نمی‌شود»^۱ در بیشتر نظامات حقوقی داخلی و بین‌المللی تحت عنوان استثنای فورس ماژور به منظور اجرانکردن تعهدات قراردادی و عرفی پذیرفته شده است. این استثنا امروزه در روابط بین سازمان‌های بین‌المللی نیز نمود یافته است، به طوری که برای نمونه در موافقت‌نامه اجرایی میان سازمان ملل متحد (برنامه ملل متحد برای توسعه) و سازمان بهداشت جهانی (۱۹۹۲) در ماده ۱۲ مقرر می‌دارد که بروز فورس ماژور یا هر شرایط مشابه دیگر که از اجرای موفقیت‌آمیز پروژه ای خاص جلوگیری کند فوراً به اطلاع طرف مقابل رسانده و با مشاوره از اجرای آن پروژه صرف‌نظر می‌شود (زمانی، ۱۳۹۲: ۳۷۲). اثر مستقیم فورس ماژور، بری کردن متعهد از مسئولیت بین‌المللی است. بایستی میان یک وضعیت فورس ماژور با ضرورت تفکیک قائل شد، بدین معنا که در وضعیت ضرورت، یک دولت به صورت عامدانه اقداماتی را به منظور مقابله با یک وضعیت در پیش می‌گیرد، در حالی که در وضعیت فورس ماژور، دولت با شرایطی مواجه است که هیچ گزینه‌ای جز اتخاذ یک سلسله اقدام به منظور دفع کردن خطر ندارد (سورناراجاه، ۲۰۱۰: ۴۶۵). البته به نظر می‌رسد در بحث فورس ماژور و نتایج آن، نسبت به سایر عوامل زایل‌کننده وصف متخلفانه عمل، چالش بیشتری وجود داشته باشد، زیرا در زمان نقض تعهدات بین‌المللی یک دولت در فورس ماژور، نقش عوامل بیرونی در ارتکاب عمل متخلفانه بسیار بیشتر است و مرتکب، کمترین نقش را در ارتکاب عمل متخلفانه دارد (شمسایی، ۱۳۸۷: ۱۹۳-۱۹۴).

از مصادیق عینی فورس ماژور می‌توان به کنترل نداشتن بر بخشی از قلمرو یک سرزمین در نتیجه یک شورش مسلحانه اشاره کرد (دین‌استاین، ۲۰۱۴: ۱۲۵). با این حال، همان‌گونه که در ماده ۲۳ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌های کمیسیون حقوق بین‌الملل موردنظر قرار گرفته است؛ استناد صرف به فورس ماژور، نمی‌تواند نافی مسئولیت بین‌المللی یک دولت باشد که بر مبنای آن «۱. متخلفانه‌بودن عمل یک کشور که مطابق با تعهدات بین‌المللی آن کشور نیست، در برابر کشور دیگر منع می‌شود و این امر در صورتی است که عمل مزبور، ناشی از فورس ماژور باشد که عبارت است از تحقق یک زور غیرقابل مقاومت یا رخدادی غیرقابل پیش‌بینی فراتر از کنترل کشور که اساساً در شرایطی اعمال تعهد را غیرممکن کند؛ ۲. بند یک اعمال نمی‌شود اگر الف) وضعیت فورس ماژور به تنهایی یا در ترکیب با سایر عوامل، ناشی از رفتار کشوری باشد که بدان استناد می‌کند؛ ب) کشور مزبور خطر آن وضعیت رخ‌دهنده را فرض کرده باشد». با این حال، یک دولت نمی‌تواند در صورتی که خود موجب یک وضعیت غیرمترقبه یا فورس ماژور شده باشد، برای رفع مسئولیت بین‌المللی خود بدان استناد کند. به این موضوع در ماده ۶۱ کنوانسیون حقوق معاهدات (۱۹۶۹) توجه شده است که «عدم امکان اجرای معاهده نمی‌تواند به عنوان مبنای فسخ یا خروج از معاهده و یا تعلیق اجرای آن مورد

2. Ad Impossibilita Nemo Tenetur.

استناد قرار گیرد هرگاه عدم امکان خود ناشی از نقض تعهدات معاهده یا نقض هر تعهد بین‌المللی دیگر در قبال طرف‌های دیگر معاهده از سوی طرف متخلف باشد». رویه معتبر بین‌المللی در خصوص استناد به فورس‌ماژور عمدتاً به وضعیت‌های دوجانبه محدود شده است. با این حال، دور از ذهن نیست که فورس‌ماژور بتواند در صورتی که دو یا چند بازیگر مرتکب یک اقدام تخلف‌آمیز شوند، در «مسئولیت تشریحی»^۱ نقش ایفا کند (نولکامپر و پلاکوکفالوس، ۲۰۱۴: ۱۹۲).

با این حال، بایستی به شواهد عینی دال بر نبود وضعیت فورس‌ماژور در فاجعه منا اشاره کرد، اولاً در این میان، به دلیل عبور محمد بن سلمان آل سعود، ولیعهد عربستان که با بیش از ۳۵۰ نیروی امنیتی از جمله ۲۰۰ نظامی و ۱۵۰ مأمور پلیس مراقبت می شده است (آژانس خبری اهل بیت، ۲۰۱۵: ۳)، دو مسیر از مسیرهای منتهی به رمی جمرات، از سوی مقامات سعودی مسدود شده بوده که این امر موجب گسترش موج ترس در میان حجاج شده بوده است. ثانیاً، علاوه بر این، از یک سو، دو گروه جمعیت حجاج در یک خیابان باریک به سمت رمی جمرات هدایت شده بودند و از سوی دیگر، گرمای بی‌سابقه ۴۶ درجه سانتی‌گراد بدون انجام عملیات امداد و نجات و مشکلات ناشی از اعزام آمبولانس‌ها به منطقه فاجعه، سبب افزایش تلفات شده بود. ثالثاً، سیستم رایانه‌ای کنترل جمعیت که به دنبال فاجعه مشابه دیگری در سال ۲۰۰۶ از سوی یک شرکت بریتانیایی نصب شده بود؛ تمام منطقه مکه را تحت پوشش قرار نمی‌داده است (روزنامه تلگراف، ۲۰۱۵: ۲). این در حالی است که ساختار چندلایه‌ای جمرات که به پل جمرات معروف است به‌گونه‌ای مهندسی شده که فشار جمعیت را تسهیل کرده است و حجاج را در برابر از دست دادن جانشان محافظت می‌کند (بخش امریکایی تلویزیون ملی چین، ۲۰۱۵: ۳). به دنبال فجایع مشابه سال ۲۰۰۶ در منا که به کشته شدن ۳۶۴ نفر از حجاج منجر شد، دولت عربستان سعودی پایه پل جمرات را از شکل دایره‌ای به بیضی تغییر داد. همچنین، عرض پل را یک کیلومتر وسعت داد که توانایی حمل ۳۰۰ هزار نفر را طی یک ساعت دارد.

۳.۱. سلب مسئولیت به واسطه انتقال امور حج به شرکت‌های خصوصی

یکی از استدلال‌های حقوقی بین‌المللی بسیار ضعیف که از سوی برخی برای بری ساختن مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در فاجعه منا صورت گرفته است آن بوده که عربستان سعودی، مدیریت جمرات و مناسک حج را به شرکت‌های خصوصی واگذار کرده بود که به موجب حقوق بین‌الملل، اگر انجام برخی وظایف حاکمیتی به یک شرکت خصوصی واگذار شود،

1. Shared Responsibility.

عمل متخلفانه بخش خصوصی به دولت واگذار کننده منتسب خواهد شد. در این خصوص، بایستی به بند ۲ ماده ۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها اشاره کرد که «اقدام اجزا تابعه یک واحد که جزء تشکیلات رسمی یا واحدهای تابعه داخلی نیستند، اما به موجب قوانین داخلی صلاحیت اعمال بخشی از اختیارات دولتی را دارند، طبق مقررات حقوق بین‌الملل به‌عنوان عمل دولت شناخته می‌شود مشروط بر آنکه در مسئله مطروحه خود اقدام کرده باشند». در این خصوص ماده ۸، دو شرط را برای مسئول شناختن دولت در قبال اعمال اشخاص خصوصی قرار داده است که اولاً معلوم شده باشد که این شخص با گروه اشخاص در واقع از جانب آن دولت عمل کرده‌اند و ثانیاً این شخص یا گروه اشخاص در واقع بخش‌هایی از اقتدار حکومتی را در غیاب مقامات رسمی و در شرایطی اعمال کرده باشند که اعمال آن بخشی از اقتدار را توجیه کند. به عبارت دیگر، مطابق حقوق بین‌الملل عمومی، دولت برای نقض تعهد افرادی مسئولیت می‌یابد که بتوان رفتار انجام‌دهنده آن نقض را رفتار دولت تعبیر کرد و بنابراین، قابل انتساب به دولت باشد (شریفی طراز کوهی و آذری، ۱۳۹۰: ۶۹). در این خصوص عنصر کنترل نیز مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، در خصوص ماده ۸ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، بایستی توجه شود که ارتباط دستوری و هدایتی میان افراد و دولت‌ها مربوط به یک عملیات یا وظایف خاصی باشد که نفوذ دولت بر آن افراد اعمال شده و مشهود باشد. دیوان بین‌المللی کیفری برای یوگسلاوی سابق در قضیه تادیچ در این خصوص تصریح کرد که: «التزام حقوق بین‌الملل برای انتساب اعمالی که به وسیله افراد خصوصی ارتکاب می‌یابند به دولت؛ آن است که دولت مزبور بر افراد کنترل داشته باشد. میزان کنترل می‌تواند براساس شرایط عینی هر قضیه متفاوت باشد».^۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها به خاطر اعمال افراد به‌ویژه در حقوق بین‌الملل بشر مورد توجه عمده قرار می‌گیرد، برای مثال در قضیه «ناهلک» علیه اتریش ادعایی مطرح شد مبنی بر اینکه در یک قرارداد جمعی مزایده، تبعیضی رخ داده است. کمیته حقوق بشر ملل متحد در این خصوص ادعان داشت که یکی از دلایلی که موجب می‌شود استدلالات دولت اتریش مردود اعلام شود این است که این دولت حسب بند ۱ ماده دوم میثاق موظف به تضمین حقوق مندرج در آن بوده است، بنابراین دولت‌ها متعهدند که از حقوق افراد در مقابل اعمال تبعیض خواه اینکه در بخش عمومی باشد یا خصوصی یا شبه دولتی محافظت کنند (زمانی و میرزاده، ۱۳۹۲: ۱۳۳-۱۳۴).

پس از ذکر این مقدمه، حال بایستی به شیوه کنترل دولت عربستان سعودی بر مأموران امنیتی و انتظامی در جریان فاجعه منا پرداخت. عربستان سعودی در جریان فاجعه منا، ۱۰۰ هزار نیروی امنیتی را به منظور نظارت بر انجام مناسک حج و پیشگیری و مقابله با تهدیدات

1. ICTY, *The Prosecutor v. DuskoTadić*, IT-94-1-AR72, Appeals Chamber, Decision, 2 October 1995, 607.

احتمالی به کار گرفته بود. از این میان، بخش عمده‌ای جزو نیروهای امنیتی دولتی از جمله واحدهای سلطنتی ضدتروریسم، پلیس راهنمایی و رانندگی و نیروهای دفاع فوری غیرنظامی‌اند که به طور مستقیم زیر نظر دولت سعودی انجام وظیفه می‌کنند. با این حال، تأمین امنیت مناسک حج صرفاً از سوی دولت سعودی انجام نمی‌شود، بلکه بخش عمده‌ای نیز به بخش‌های خصوصی واگذار شده است. از سال ۲۰۱۰ میلادی، برقراری امنیت مراسم حج به شرکت سعودی المجلس جی ۴ اس واگذار شده است. مدیرعامل شرکت مزبور، یک مقام امنیتی سعودی به نام خالد بغدادی است. این شرکت مسئولیت‌های امنیتی چون تأمین امنیت مترو در طول حج یا تسهیل جریان حمل و نقل در مکه را نیز برعهده دارد. پیش از این انتقادات عمده‌ای از این شرکت صورت گرفته بود به دلیل آنکه امکانات و تجهیزات امنیتی را برای حفاظت از شهرک نشین‌های صهیونیستی برقرار می‌کند. در این خصوص، شیخ صبری، رئیس شورای عالی اسلامی بیت‌المقدس و امام مسجدالاقصی نیز اعلان کرده است: «این شرکت (المجلس جی ۴ اس) ... فعالیت‌ها و تعهداتی را در مناطق تحت اشغال اسرائیل انجام می‌دهد. آن‌هایی که به اشغال کمک می‌کنند می‌بایستی پاسخگو بوده و در جنایت شریک هستند، زیرا آن‌هایی که به متجاوزان کمک می‌نمایند، خود تجاوزکار نیز می‌باشند»^۱. این شرکت نیز تحت کنترل مقامات سعودی و حتی مدیرعامل آن همان‌گونه که گفته شد از مقامات سابق امنیتی سعودی بوده است. بنابراین، با این اطلاعات می‌توان به صورت یقینی، اظهار کرد که ادعای واگذاری برقراری امنیت مناسک حج به بخش خصوصی در جریان فاجعه‌ی منا نمی‌تواند به منزله ادعایی توجیه‌پذیر از سوی دولت سعودی پذیرش شود، زیرا این دولت کنترل مؤثری در شرکت تأمین‌کننده امنیت مناسک حج در جریان فاجعه‌ی منا داشته است که براساس ماده ۸ پیش‌نویس طرح مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها می‌توان ناتوانی مأموران امنیتی این شرکت را در تأمین امنیت مناسک حج در جریان فاجعه‌ی منا به دولت سعودی منتسب کرد.

۲. بررسی موردی نقض تعهدات بین‌المللی دولت عربستان سعودی در فاجعه‌ی منا

در این بخش به منظور اثبات مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در فاجعه‌ی منا به مهم‌ترین نقض‌های موردی تعهدات بین‌المللی این دولت در جریان فاجعه‌ی منا خواهیم پرداخت. مهم‌ترین نقض‌ها عبارت‌اند از: ایفانکردن تعهدات قراردادی بین‌المللی، ارائه‌ندادن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه‌ی منا و بی‌حرمتی به اجساد آن‌ها، تعلل در امدادرسانی به حجاج منا و انتقال اجساد قربانیان و تعقیب‌نکردن قضایی متخلفان و مسئولان فاجعه‌ی منا. بدیهی است که همان‌گونه که اشاره شد نقض‌های تعهدات عربستان سعودی در جریان فاجعه‌ی منا محدود به این

1. Al-Khabar English, "Saudi Hires Occupation-Friendly Company for Hajj Security", www.english.al-akhbar.com/node/17253, 3 (last visit 13/08/2016).

موارد نبوده است و سایر موارد را دربر می‌گیرد.

۱.۲. ایفانکردن تعهدات قراردادی بین‌المللی

برای بررسی دقیق‌تر مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در قبال حفظ حقوق حجاج ایرانی بایستی به موافقت‌نامه‌های موجود میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی دقت کرد. سه موافقت‌نامه میان جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی منعقد شده است که اولی شامل موافقت‌نامه مودت ۱۳۰۸ شمسی است که در آن درخصوص دولت‌های ایران و عربستان سعودی به طور صریح به حمایت از اتباع دو کشور در قلمرو هر یک پرداخته و ماده سوم آن به صراحت درخصوص حجاج ایرانی مدون شده است که دولت عربستان سعودی متعهد شده است که نسبت به آنان از هر حیث مانند سایر حاجیان رفتار کند. در این موافقت‌نامه نامی از دولت عربستان سعودی نیامده است، اما پنج سال پیش از انعقاد، ملک عبدالعزیز بنیان‌گذار حکومت آل سعود منطقه حجاز را به تصرف خود درآورد و پادشاه این سرزمین شد (خبرگزاری دانشجویان ایران، ۱۳۹۴/۰۸/۰۵: ۲). موافقت‌نامه همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی در سال ۱۳۴۶، موافقت‌نامه عمومی همکاری‌های اقتصادی و فرهنگی ۱۳۷۹، موافقت‌نامه همکاری‌های امنیتی در سال ۱۳۸۰ دو موافقت‌نامه دیگر در این خصوص به شمار می‌روند. از سوی دیگر، هر ساله بین ج.ا.ایران و عربستان سعودی قرارداد مقرر منعقد می‌شود که در مفاد آن، مسائلی از جمله تعداد، آموزش، بیمه، تاریخ ورود و خروج حجاج و وسایلی که اجازه دارند همراه خود داشته باشند، ذکر می‌شود.

در اینجا به جهت اهمیت بحث، به موضوع موافقت‌نامه مودت ۱۳۰۸ میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی، به منزله اصلی‌ترین سند الزام‌آور حقوقی بین‌المللی توجه می‌شود. از آن رو که موضوع تحقیق روی فاجعه مناست، بایستی به ماده ۳ این موافقت‌نامه اشاره کرد که در آن تصریح شده است: «هر یک از طرفین معتمدین متعهدین متعهد می‌شود که اتباع طرف متعهد را در مملکت خود از جمیع حقوق و مزایایی که اتباع دولت کامله‌الوداد از آن بهره‌مند می‌گردند، برخوردار سازند. حکومت اعلی حضرت پادشاه حجاز و نجد و ملحقات آن متعهد می‌گردد که نسبت به حجاج ایرانی از هر حیث مثل سایر حججی که به بیت‌الله الحرام می‌روند، معامله و رفتار نموده و اجازه ندهند که نسبت به حجاج ایرانی در ادای مناسک حج و فرایض دینی آن‌ها هیچ‌گونه مشکلاتی ایجاد شود و نیز تعهد می‌نمایند که وسایل امنیت و آسایش و اطمینان آن‌ها را فراهم نمایند». بنابراین، براساس این ماده چند وظیفه اصلی بر عهده حکومت عربستان سعودی به منزله جانشین پادشاهی حجاز و نجد و ملحقات آن قرار داده شده است: ۱. رفتار برابر با حجاج ایرانی بیت‌الله الحرام به میزان سایر حجج؛ ۲. پیشگیری از هرگونه اقدامی که حجاج ایرانی را در ادای مناسک حج و فرایض دینی آن‌ها با مشکل مواجه کند؛ ۳. تعهد به

تأمین وسایل امنیت و آسایش و اطمینان حجاج ایرانی. آنچه در این موافقت‌نامه در خصوص شیوه رفتار با حجاج ایرانی مورد نظر قرار گرفته، اصل حداقل رفتار بین‌المللی است. این موضوع از روی عبارت ضرورت رفتار برابر با حجاج ایرانی بیت‌الله الحرام به میزان سایر حجاج مشخص می‌شود، بنابراین دولت سعودی متعهد به اتخاذ یک رویکرد بین‌المللی در حوزه رفتاری با حجاج ایرانی شده است. با این حال، در تازه‌ترین تحول شکل گرفته، سازمان حج و زیارت ایران به منزله متولی مناسک حج در ج.ا.ایران، اعلان کرد که دولت عربستان سعودی ۱۱ بند جدید به پیش‌نویس سند یادداشت تفاهم میان ایران و عربستان سعودی افزود که به دلیل آنکه محدودیت‌های جدیدی را بر حجاج ایرانی تحمیل می‌کرد، پذیرش آن را به منزله یک موافقت‌نامه کلی از سوی دولت ج.ا.ایران غیرممکن می‌کرد و دولت ایران با پذیرش کل موافقت‌نامه مخالفت کرد و از این رو حجاج ایرانی در سال گذشته به مناسک حج اعزام نشدند. از جمله این محدودیت‌های غیرقانونی می‌توان به ممنوعیت برافراشتن پرچم ج.ا.ایران بر فراز ساختمان‌هایی که پذیرای حجاج ایرانی بودند و برخی خیابان‌های خاص مدینه‌النبی، محدودیت بر شمار درمانگاه‌های ایرانی طی انجام مناسک حج، استفاده حجاج ایرانی از میج‌بندهای الکترونیکی اشاره کرد. اعمال این محدودیت‌ها برخلاف ضرورت رفتار برابر با حجاج ایرانی به مانند سایر حجاج است که در نقض صریح ماده ۳ موافقت‌نامه مودت ۱۳۰۸ است.

۲.۲. ارائه‌ندادن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه منا و بی‌حرمتی به اجساد آنها

ارائه‌ندادن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه منا و بی‌حرمتی به اجساد آنها همچون دفن آنها بدون اجازه خانواده یا دولت متبوعشان از موارد شایع مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در فاجعه منا تلقی می‌شود. بر مبنای شواهد عینی، اجساد قربانیان به صورت جمعی به نزدیک‌ترین اردوگاه‌ها برده و در آنجا بدون انجام هیچ‌گونه تشریفات روی هم انباشته می‌شدند. مطابق بند الف ماده ۳۷ کنوانسیون ۱۹۶۳ حقوق کنسولی وین، هرگاه مقامات صلاحیت دار دولت پذیرنده در خصوص فوت یکی از اتباع دولت فرستنده، اطلاعاتی در دست داشته باشند، باید مراتب را بدون تأخیر به پست کنسولی که در آن فوت رخ داده است؛ اطلاع دهند تا بتوان به حمایت کنسولی از اجساد پرداخت. از سوی دیگر، بند د ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی مقرر می‌دارد: «حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی‌احترامی به آن جایز نیست؛ کما اینکه جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی و بر دولت است حمایت از این امر». این در حالی است که این چنین مواردی از سوی دولت عربستان سعودی انجام نشده است. حق حمایت کنسولی را با توجه به رأی صادره دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه لاگرانژ میان آلمان و ایالات متحده که در آن دیوان، استدلال دولت آلمان را مبنی بر اینکه حق حمایت

کنسولی، یک حق شخصی و بشری است، پذیرفت؛ هم‌اینک بایستی یکی از حقوق بشری قلمداد کرد (کرافورد و واگان، ۲۰۰۹: ۳۲۶).

۳.۲. تعلق در امداد رسانی به حجاج منا و انتقال اجساد قربانیان

پیش از آغاز مناسک حج، بیش از ۱۰ هزار نیروی امنیتی و ۵ هزار دوربین مداربسته از سوی دولت سعودی به منظور مدیریت جمعیت و پس از وقوع این فاجعه بنا به اعلان مقامات سعودی، بیش از ۲۲۰ خودروی امدادی و ۴ هزار خدمه فوریت‌های پزشکی سعودی به کار گرفته شدند (الگرینه و هرناندز، ۲۰۱۵: ۴). اخیراً دولت سعودی سطوح چندگانه‌ای را برای عابران ایجاد کرده و ۴۵۰ تعدیل‌کننده هوا را برای کنترل دمای هوا در فضای منتهی به منا کار گذاشته است؛ اما بنا به اظهارات شاهدان عینی این نیروها بیش از کمک به قربانیان مانع از رسانیده شدن حجاج به مراکز درمانی می‌شدند و از سوی دیگر، برخی از این نیروها با وجود دسترسی به مصدومان و قربانیان، از ارائه کمک‌های امدادی فوریتی اجتناب می‌ورزیده‌اند. چنانکه بنا به اظهار بسیاری از حجاج در صورت پاشیدن مقادیری آب از سوی بالگردها یا مأموران انتظامی و امنیتی سعودی روی حجاج قربانی، از تلف شدن بسیاری از آن‌ها جلوگیری به عمل می‌آمد. همچنین، این نکته شایان یادآوری است که طی بیست سال توسعه مناطق اطراف مکه، مقامات سعودی تنها یک بیمارستان در این نواحی برای خدمت‌رسانی به حجاج ایجاد کرده و حتی نسبت به ایجاد مراکز امدادی فوریتی چون آتش‌نشانی اقدام نکرده‌اند (گراهام و سعید، ۲۰۱۵: ۳). با توجه به حضور بیش از ۲ میلیون نفری حجاج در مناسک حج (۲۰۱۵)، مقامات سعودی حتی نسبت به افزایش ظرفیت‌های مراکز درمانی برای وضعیت‌های اضطراری اقدام نکردند و در زمان بروز فاجعه منا، بسیاری از مجروحان به دلیل پرشدن ظرفیت این مراکز قربانی شدند.

همچنین، در مسیر جمرات هیچ‌گونه مکان دسترسی خاص برای افراد آسیب‌پذیر همچون معلولان، سالخورده‌گان و مسیره‌های خروجی اضطراری برای حجاج در موارد فوریتی تعبیه نشده بود (هالیدی و صدیک، ۲۰۱۵: ۴).

۴.۲. تعقیب‌نکردن قضایی متخلفان و مسئولان فاجعه منا

لزوم تعقیب قضایی متخلفان و مسئولان امروزه در حقوق بین‌الملل به‌منزله یک اصل پذیرش شده است. پس از وقوع فاجعه منا، محمد بن نایف، وزیر کشور عربستان سعودی دستور تشکیل یک هیئت عالی رتبه تحقیقاتی برای بررسی زوایای مختلف فاجعه منا را داد. بر این اساس، یافته‌های این هیئت عالی رتبه که ریاست آن بر عهده وزیر کشور سعودی است؛ به پادشاه

عربستان سعودی، ملک سلمان ارائه خواهد شد تا وی «اقدامات متناسب» را اتخاذ کند. با این حال، نتیجه تحقیقات این هیئت تا تاریخ نگارش این تحقیق ارائه نشده است و به نظر نمی‌رسد که در صورت ارائه نیز، نتایج امیدوارکننده‌ای داشته باشد (آژانس خبری عرب، ۲۰۱۵: ۳). همچنین، ملک سلمان، پس از وقوع فاجعه مناصراً دستور بازنگری در برنامه‌های حج در سال‌های بعد را داد.

تعقیب نکردن قضایی مجرمان سعودی و نکول از تأدیه دیه به اولیای دم قربانیان فاجعه مناصراً، برخلاف احکام شرعی عربستان سعودی نیز است، زیرا براساس احکام شرعی عربستان، هرگونه حادثه به جز فوت عادی برای همه زائران ورودی به این کشور مشمول دریافت دیه کامل می‌شود که در حوادث مهم مشابه حادثه مناصراً، عربستان این دیه را پرداخت کرده است. از سوی دیگر، سازوکار قضایی داخلی در محاکم عربستان سعودی به گونه‌ای تدوین شده است که صرفاً وکلای عربستانی اجازه دفاع را می‌یابند که با توجه به وضعیت تنش آمیز فعلی میان ج.ا.ایران و عربستان سعودی بسیار دور از ذهن می‌آید که دفاع از منافع شهدای فاجعه مناصراً را یک وکیل عربستانی بر عهده بگیرد. همچنین، از منظر فقه اهل سنت و شیعه نیز، تأسیسی به نام قتل الزحام وجود دارد که اگر کسی در ازدحام مردم کشته شود بیت‌المال درخصوص دیه او مسئولیت دارد و باید دیه او از بیت‌المال پرداخت شود، همچنان‌که اگر کس دیگری را به خانه خودش دعوت کرد و با اذن او وارد منزل شد؛ نسبت به حفاظت از او مسئولیت دارد.

نتیجه‌گیری

دو دیدگاه درخصوص مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در جریان فاجعه مناصراً مطرح است: اولین دیدگاه آن است که نقض‌های تعهدات بین‌المللی از سوی عربستان سعودی به صورت نظام مند و سیستماتیک شکل گرفته است. دومین دیدگاه آن است که این نقض به صورت نظام مند نبوده، بلکه ناشی از بی‌تدبیری و قصور مقامات سعودی بوده است. به نظر می‌رسد با بررسی منابع موجود، دیدگاه اخیر بیشتر مورد تبعیت کشورهای قربانی این فاجعه از جمله ج.ا.ایران قرار گرفته باشد، زیرا از یک سو درخصوص فاجعه مناصراً، تاکنون دلایلی مبنی بر عمدی بودن آن یافت نشده و غیرعمدی بودن آن ارجح است. از سوی دیگر، پس از این فاجعه، بسیاری از کشورهای اسلامی از جمله ج.ا.ایران و پاکستان از بی‌تدبیری و بی‌احتیاطی عربستان سعودی ابراز تأسف شدید و اعلان عزای عمومی کردند. شایان یادآوری است که در صورت اثبات سهل‌انگاری یا قصور مقامات عربستانی، مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی صرفاً از نوع مدنی مطرح می‌شود، زیرا در حقوق بین‌الملل، مسئولیت بین‌المللی کیفری دولت‌ها پذیرفته نشده است. علاوه بر این، قطع یا انسداد روابط سیاسی میان ج.ا.ایران و عربستان

سعودی مانع از همکاری های قضایی میان دو دولت و امکان پرداخت دیه از سوی محاکم قضایی سعودی نیست.

دولت سعودی در خصوص تعقیب مسببان و خاطیان فاجعه منا تمایل چندانی نشان نداده است، اما می توان حداقل از منظر داخلی دول متضرر از این فاجعه، به تعقیب و جبران خسارات وارده اقدام کرد. در اینجا با توجه به اینکه موضوع بحث تا حدود زیادی به حجاج ایرانی این فاجعه بازگشته و از سوی دیگر، ج.ا.ایران متحمل بیشترین تلفات انسانی در فاجعه منا شده است، بر جبران خسارت و دادگاه های صالح ایرانی تمرکز خواهد شد. یکی از مباحثی که پیرامون فاجعه منا مطرح است این سؤال است که اصولاً سازوکار جبران خسارت وارده به حجاج ایرانی به چه شکل است و ثانیاً در صورت تشخیص سازوکار مناسب، چه مرجع قضایی در داخل ایران صالح به رسیدگی است؟ در این زمینه، بسته به اینکه فاجعه منا را یک حادثه نظام مند و سیستماتیک علیه حجاج بدانیم یا اینکه صرفاً حادثه ای که ناشی از ناکارآمدی و پیش بینی نکردن لازم از سوی دولت سعودی است؛ پاسخ می تواند متفاوت باشد. اگر به دیدگاه نخست (فاجعه منا به منزله یک رخداد هدفمند و سازمان یافته) قائل باشیم بایستی به منظور احقاق حقوق اولیای دم شهدای فاجعه منا، قانون صلاحیت رسیدگی محاکم ج.ا.ایران به برخی دعاوی مدنی علیه دول بیگانه (۱۳۹۲) و توقیف اموال دولتی عربستان سعودی در ج.ا.ایران و سایر کشورها را مبنا قرار داد. در بند الف ماده ۱ این قانون در خصوص خساراتی که می تواند مشمول قانون ذکر شده شود؛ تصریح شده است: «خسارات ناشی از هرگونه اقدام و فعالیت دولت های خارجی در داخل یا خارج از ایران که مغایر با حقوق بین الملل است و منجر به فوت یا صدمات بدنی یا روانی یا ضرر و زیانی مالی اشخاص گردد». همان طور که اثبات شد، بر مبنای اصل حداقل رفتار بین المللی که امروزه در حقوق بین الملل حاکم بر رفتار با بیگانگان به منزله اصل عام بین المللی پذیرفته شده است؛ دولت عربستان سعودی با ارتکاب تخلفاتی چون ایفانکردن تعهدات قراردادی بین المللی، ارائه ندادن اطلاعات دقیق در خصوص قربانیان فاجعه منا و بی حرمتی به اجساد آنها، تعلل در امداد رسانی به حجاج منا و انتقال اجساد قربانیان و تعقیب نکردن قضایی متخلفان و مجرمان فاجعه منا به تحمیل صدمات بدنی، روانی، ضرر و زیانی مالی به حجاج ایرانی برخلاف اصول صریح حقوق بین الملل منجر شده است. بنابراین، خسارات وارده در این خصوص می تواند مشمول قانون سال ۱۳۹۲ قرار گیرد و دادگستری تهران در خصوص تعقیب دعاوی صالح است. با این حال، یکی از مشکلاتی که در این خصوص حاصل می شود این است که به قانون یاد شده در صورتی می توان استناد کرد که اولاً بایستی این اقدام به منزله یک عمل متقابل انجام شود، ثانیاً دولت عربستان سعودی بایستی مصونیت قضایی دولت ج.ا.ایران یا مقامات رسمی آن را نقض کند. می توان با اشاره به حملات نیروهای سعودی به اماکن دیپلماتیک ایران در یمن در جریان جنگ یمن به منزله نمودی از

نقض مصونیت اماکن دیپلماتیک ج.ا.ایران از سوی نیروهای سعودی اشاره کرد، اما این مصونیت نوعی مصونیت از تعرض است نه مصونیت قضایی. بنابراین، از آنجا که دولت سعودی فاقد قوانینی به منظور نقض مصونیت قضایی دول خارجی یا نمایندگان رسمی آن‌هاست، به نظر نمی‌رسد که بتوان به این قانون در جهت توجیه توقیف اموال دولتی عربستان سعودی در تهران برای جبران خسارات وارده استناد کرد مگر اینکه اثبات شود که دولت عربستان سعودی در اجرای احکام ناقض مصونیت ج.ا.ایران به سایر دولت‌ها از جمله ایالات متحده آمریکا کمک کرده است که به واسطه این امر، می‌توان خسارات تحمیل‌شده عربستان سعودی بر حجاج ایرانی را از طریق دادگستری تهران تعقیب و رسیدگی کرد.

اما در صورت تأیید این امر که خسارات وارده به حجاج ایرانی در جریان فاجعه منا، به صورت نظام‌مند و هدف‌گرا صورت نگرفته و عمدتاً ناشی از سهل‌انگاری و بی‌تدبیری مقامات سعودی است - که گرایش عمومی حاکمیتی ج.ا.ایران متمایل به نظریه اخیر است - بایستی صرفاً خاطیان، مسببان و مباشران سعودی در این مورد را به واسطه وقوع جنایات وارده از منظر قوانین کیفری ج.ا.ایران در معرض تعقیب قرار داد. در این خصوص، اصل صلاحیت شخصی منفعل برای اولین بار در ماده ۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ پذیرفته شده است. ماده ۸ مقرر می‌دارد: «هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخصی ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به جز جرایم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود، مشروط بر اینکه: الف) متهم در جرایم موجب تعزیر در محل وقوع جرم، محاکمه و تبرئه نشده یا در صورت محکومیت، مجازات کلاً یا بعضاً درباره او اجرا نشده باشد؛ ب) رفتار ارتكابی در جرایم موجب تعزیر به موجب قانون جمهوری اسلامی ایران و قانون محل وقوع، جرم باشد». بنابراین، براساس این ماده، اولاً بایستی یک شخص غیرایرانی در زمان ارتکاب جرم بر علیه شخصی ایرانی مرتکب جرم شده باشد - در فاجعه منا مقامات سعودی علیه حجاج ایرانی - و ثانیاً متهم مرتکب جرایم تعزیر غیرمنصوص شرعی شده باشد؛ ثالثاً متهم در محل وقوع جرم، محاکمه نشده باشد، رابعاً عمل هم به موجب قانون ایران و هم قانون کشور خارجی - در اینجا عربستان سعودی - جرم باشد. با بررسی این چهار شرط به نظر می‌رسد که هر چهار شرط در خصوص امکان تعقیب مسئولان خاطی سعودی در دادگستری تهران وجود داشته باشد، اما چالش بزرگ آن است که با توجه به دسترسی‌نداشتن به مسئولان سعودی در ایران، امکان محاکمه غیابی آن‌ها فراهم نیست، زیرا متهمان سعودی باید در ایران یافت یا به ایران اعاده شوند؛ بنابراین، با جمیع شرایط مطروحه به نظر می‌رسد که بهترین راهکار برای پیگیری مسئولیت بین‌المللی دولت عربستان سعودی، احقاق حقوق بین‌المللی شهدای منا از طریق مراجع بین‌المللی براساس قانون آیین دادرسی کیفری یعنی دادستانی کل کشور باشد. کما اینکه، اخیراً رئیس قوه قضاییه ج.ا.ایران، از

دادستان کل کشور خواسته است تا با همکاری با وزارت امور خارجه و رایزنی با سایر کشورهای متحمل خسارت در جریان فاجعه منا، موضوع را تا رسیدگی نهایی استمرار بخشد. همچنین، بنا به اطلاع دادستان کل کشور ج.ا.ایران، شعبه‌ای ویژه در دادگستری مسئول رسیدگی به شکایات قربانیان فاجعه منا شده است. مسیر دیگر می‌تواند از طریق تشکیل یک کمیسیون حقیقت‌یاب مستقل بین‌المللی به‌ویژه از سوی سازمان همکاری‌های اسلامی باشد. نهادهای بین‌المللی می‌توانند در تعقیب مسئولیت بین‌المللی عربستان سعودی در قبال فاجعه منا نقش عمده‌ای ایفا کنند. برای مثال، مواد ۷۵ و ۷۶ اساس‌نامه سازمان بهداشت جهانی تأکید می‌کند که اگر تقصیری در وضعیت سلامت اتباع دول عضو صورت گیرد، این دولت‌ها می‌توانند در دیوان بین‌المللی دادگستری طرح دعوا کنند و براساس ماده ۷۶ نیز، سازمان بهداشت جهانی می‌تواند از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست صدور رأی مشورتی کند. در این خصوص، البته به نظر می‌رسد که برای پیشگیری از وقایع مشابه در مناسک حج سال‌های آتی، بایستی نسبت به تنظیم یک سازوکار مستقل بین‌المللی برای مدیریت مناسک حج در عربستان سعودی نظیر آنچه در واتیکان شاهد آن هستیم، اقدام شکل گیرد به‌گونه‌ای که یک نهاد مستقل متشکل از تمام کشورهای اسلامی این مدیریت را بر عهده گیرد. این درخواست علاوه بر ج.ا.ایران از سوی سایر کشورهای اسلامی همچون ترکیه نیز شکل گرفته است.

منابع

الف) فارسی

۱. پورزنگبار، یونس (۱۳۹۱). «مطالعه تطبیقی اصل عدم تبعیض در اسناد سازمان تجارت جهانی و اتحادیه اروپا»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
۲. حسیبی، به‌آذین (۱۳۹۰). «حداقل استانداردهای بین‌المللی و حمایت از سرمایه‌گذاران خارجی»، فصل‌نامه پژوهش حقوقی، سال ۱۳، شماره ۳۳.
۳. خبرگزاری بین‌المللی قرآن. «تاریخچه رخدادهای مرگبار برای حجاج/ سومین فاجعه در منا رقم خورد»، تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۴/۰۷/۰۲، <http://www.iqna.ir/fa/news/3367034>، (آخرین بازدید ۱۴/۱۲/۱۳۹۴).
۴. خبرگزاری بین‌المللی قرآن. «قطع ارتباط سیاسی با عربستان به‌منزله عدم پیگیری حقوقی فاجعه منا نیست/ پیگیری اطلاق واژه شهید به قربانیان»، <http://www.iqna.ir/fa/news/3469962>، (تاریخ آخرین بازدید ۲۳/۰۲/۱۳۹۵).
۵. خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). «نحوه پیگیری حقوقی فاجعه منا در گفتگو با

- پوربابایی، «کد خبر: ۹۴۰۸۰۵۰۲۰۶۲، تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۴/۰۸/۰۵، <http://isna.ir/fa/news/94080502062> (تاریخ آخرین بازدید ۱۳۹۵/۰۲/۱۴).
۶. خبرگزاری صدا و سیما ج.ا.ایران. «ایران مصمم به پیگیری حقوقی و سیاسی فاجعه منا»، تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۴/۰۹/۱۳، <http://dari.irib.ir/news/item/105216> (تاریخ آخرین بازدید ۱۳۹۵/۰۲/۱۴).
۷. خبرگزاری فارس. «شرح فاجعه منا از زبان روحانی حاضر در معرکه»، تاریخ انتشار خبر: ۱۳۹۴/۰۷/۲۰، <http://www.farsnews.com/13940720000780> (تاریخ آخرین بازدید ۱۳۹۵/۰۲/۲۱).
۸. دادخدایی، لیلا. «بررسی مفهوم فساد و رویکرد پیش‌گیرانه قانون‌گذار ایران در قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد»، فصل‌نامه‌ی *تعالی حقوق*، دوره‌ی جدید، شماره ۳، ۹. درگاهی، مهدی (۱۳۹۴). «دیه قتل الزحام در فقه فریقین»، فصل‌نامه‌ی *میقات حج*، سال ۲۴، شماره ۹۳، ۴۵-۷۰.
۱۰. زمانی، سیدقاسم و میرزاده، منالسادات (۱۳۹۲). «مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال اعمال شرکت‌های خصوصی از منظر رویه قضایی و داوری بین‌المللی»، فصل‌نامه‌ی *پژوهش حقوق عمومی*، سال پانزدهم، شماره ۴۰، ۱۱۵-۱۴۰.
۱۱. زمانی، سیدقاسم (۱۳۹۲). *حقوق سازمان‌های بین‌المللی*، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
۱۲. ساریخانی، عادل و اکرمی‌سراب، روح‌الله (۱۳۹۲). «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی»، *مجله حقوقی د/دگستری*، شماره ۸۲.
۱۳. ستاد حقوق بشر قوه قضاییه ج.ا.ایران. «پیگیری حقوقی فاجعه منا در حال انجام است/ساماندهی قبور شهدای منا»، <http://www.humanrights-iran.ir/news-49279.aspx> (تاریخ آخرین بازدید ۱۳۹۴/۱۲/۱۱).
۱۴. سواری، حسین و راشدی، مهریار (۱۳۹۳). *ماهیت و قلمروی تعهد رفتار ملی در چارچوب موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت*، *مجله حقوقی د/دگستری*، سال ۷۸، شماره ۸۷.
۱۵. شریفی طرازکوهی، حسین و آذری، مارال (۱۳۹۰). «مسئولیت دولت‌ها در قبال اعمال ناقض حقوق بین‌الملل بشردوستانه شرکت‌های نظامی و امنیتی خصوصی»، فصل‌نامه‌ی *آفاق امنیت*، سال چهارم، شماره دوازدهم، ۶۷-۹۶.
۱۶. شمسایی، محمد و سلیمی‌ترکمانی، حجت (۱۳۸۷). «تأملی بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی»، فصل‌نامه‌ی *فقه و حقوق*، سال پنجم، شماره ۱۷.
۱۷. معاونت پژوهش‌های اقتصادی مرکز تحقیقات استراتژیک (۱۳۸۷). *توضیحاتی در مورد شاخص درک فساد، مجمع تشخیص مصلحت نظام*.

۱۸. نیکویی، مجید (۱۳۹۱). «رویکردی انتقادی به حقوق بشر بین الملل در پرتو نظریه عدالت جهانی جان رالز»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۷۹.

ب) انگلیسی

19. Ahlul Bayt News Agency, "Iranian Stage Rally against Saudi Government over Mina Stampede", 27/09/2015, <http://en.abna24.com/service/iran/archive/2015/09/27/712607/story.html> (last visit 24/04/2016).
20. Al-Greene, Bob, Hernandez, Sergio, "The tragic stampede near Mecca is part of a grim pattern", The Mashable, <http://mashable.com/2015/09/24/hajj-deaths-mecca-history/#RHMcLeY.oSqB> (last visit 13/03/2016).
21. ArabNews, "Crown Prince Orders High-Level Probe into Stampede", Published on 25/09/2015, <http://www.arabnews.com/featured/news/810846> (last visit 17/05/2016).
22. Bjorklund, Andrea K.; Laird, Ian A. and Ripinsky, Sergey (2009). "Investment Treaty Law: Current Issues. Remedies in international investment law emerging jurisprudence of international investment law. III", BIICL.
23. Bjorklund, Andrea K (2014). "Yearbook on International Investment Law and Policy 2012-2013", Oxford University Press.
24. Bos, Maarten (2013). "The Present State of International Law and Other Essays: written in honour of the Centenary Celebration of the International Law Association 1873-1973".
25. CCTV America, "Stampede at Hajj pilgrimage in Saudi Arabia kills hundreds", Released on 24/09/2015, <http://www.cctv-america.com/2015/09/24/stampede-at-hajj-pilgrimage-in-saudi-arabia-kills-hundreds> (last visit 20/04/2016).
26. Cole, David (2010). "Are Foreign Nationals Entitled to the Same Constitutional Rights as Citizens", Georgetown Law Review, 367-388.
27. Crawford, James & Lowe, Vaughan (2009). "British Year Book of International Law 2008", Oxford University Press.
28. Daily News Egypt. "Relatives of Mina stampede victims express anger against Egyptian government", Released on 04/10/2015, <http://www.dailynewsegypt.com/2015/10/04/relatives-of-mina-stampede-victims-express-anger-against-egyptian-government/>(last visit 26/04/2016).
29. Dinstein, Yoram (2014). "Non-International Armed Conflicts in International Law", Cambridge University Press.
30. Fastenrath, Ulrich & Simma, Bruno (2011). "From Bilateralism to Community Interest: Essays in Honour of Judge Bruno Simma", Oxford University Press.
31. Forlati, Serena & Annoni, Alessandra (2013). "The Changing Role of Nationality in International Law", Routledge.
32. Graham, Emma and Saeed, Harrison. "Hajj pilgrimage: more than 700 dead in crush near Mecca", The Gaurdian, Published on 24/09/2015, <http://www.theguardian.com/world/2015/sep/24/mecca-crush-during-hajj-kills-at-least-100-saudi-state-tv>(last visit 11/04/2016).
33. Halliday, Josh & Siddique, Haroon. "Relatives of British Hajj Pilgrims Await News after Saudi Arabia Disaster", The Guardian, Published on 24/09/2015

- <http://www.theguardian.com/world/2015/sep/24/relatives-british-hajj-pilgrims-mecca-crush> (last visit 11/02/2016).
34. Kläger, Roland (2011). "Fair and Equitable Treatment' in International Investment Law", Cambridge University Press.
 35. Malanczuk, Peter (1997). "Akehurst's Modern Introduction to International Law", Psychology Press.
 36. Maupin, Julie A (2013). "Transparency in International Investment Law: The Good, the Bad, and the Murky", Published in Transparency in International Law, Andrea Bianchi and Anne Peters, eds Cambridge University Press.
 37. Meshkati, Najmedin. "The Hajj (Mina) Stampede Tragedy in Saudi Arabia and How to Respond", Iran Review , <http://www.iranreview.org/content/Documents/The-Hajj-Mina-Stampede-Tragedy-in-Saudi-Arabia-and-How-to-Respond.htm>(last visit 12/03/2016).
 38. Newcombe, Andrew Paul & Paradell, Lluís (2009). "Law and Practice of Investment Treaties: Standards of Treatment", Kluwer Law International.
 39. Nollkaemper, André & Plakokefalos, Ilias (2014). "Principles of Shared Responsibility in International Law", Cambridge University Press.
 40. Organization for Economic Cooperation & Development (OECD). "Fair and Equitable Standard in International Investment law" 8 note 32 (Working Papers on International Investment, 2004/3, 2004).
 41. Paparinskis, Martins (2004). "The International Minimum Standard and Fair and Equitable Treatment", oxford University Publication.
 42. The Iran Project. "Mina Stampede", <http://theiranproject.com/blog/2015/10/06/mina-death-toll-latest-statistics/>(last visit 16/04/2016).
 43. Tiburcio, Carmen (2001). "The Human Rights of Aliens Under International and Comparative Law", Martinus Nijhoff Publishers.
 44. Saul, Matthew & Sweeney, James A (2015). "International Law and Post-Conflict Reconstruction Policy", Routledge.
 45. Schill, Stephan W (2009). "The Multilateralization of International Investment Law", The Max Planck Institute for Comparative Public Law and International Law.
 46. Schrijver, Nico J. & Weiss, Friedl. "International Law And Sustainable Development: Principles And Practice", Martinus Nijhoff Publishers.
 47. Sherwood, Harriet. "Hajj pilgrimage in Saudi Arabia begins amid ramped up security", Released on 22/09/2015, <http://www.theguardian.com/world/2015/sep/21/saudi-arabia-authorities-security-hajj-mecca-muslim> (last visit 15/05/2016).
 49. Shihata, Ibrahim F. I (1993). "Legal Treatment of Foreign Investment: "The World Bank Guidelines", Martinus Nijhoff Publishers.
 50. Sornarajah, M (2010). "The International Law on Foreign Investment", Cambridge University Press.
 51. The Iran Project. "Security Boosted as Death- Marred Hajj Ends", <http://theiranproject.com/blog/2015/09/26/security-boosted-as-death-marred-hajj-ends/>(last visit 11/05/2016).
 52. The Telegraph, "Mecca stampede: At least 717 killed and hundreds injured in crush during hajj", <http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/middleeast/saudi-arabia/11887302/E>

- id-al-Adha-At-least-100-killed-and-hundreds-injured-in-crush-during-hajj-outside-Mecca.html(last visit 18/04/2016).
53. Wahab, Siraj, "Death Toll in Mina Stampede Rises to 717;over 850 injured", Arab News, Published on 24/09/2015, <http://www.arabnews.com/saudi-arabia/news/810806> (last visit 22/03/2016).
54. Wolfrum, Rüdiger & Seršić, Maja & Šošić, Trpimir (2015). "Contemporary Developments in International Law: Essays in Honour of BudislavVukas", BRILL.